

نقصان دانش بشری و نگاه زنان

گفت و گو با منیژه نجم عراقی

نظریه پردازان جامعه شناس در طول تاریخ از توجه به زنان و مسائل مربوط به این فاعل بودند و همین امر را دلیلی بر نقصان نظریات جامعه شناسی موجود می دانند و تلاش دارند تا با پیگیری و گسترش مطالعات زنان باب گفت و گو جامعه شناسی زنان را توسط دو تن از زنان انگلیسی نوشته شده و سال گذشته توسط خانم منیژه نجم عراقی به فارسی ترجمه شده از جمله این آثار به شمار می رود و در نوع خود شب کتاب جامع و ساده محبوب می شود که می تواند فتح بابی در این زمینه باشد. مترجم کتاب که

اشاره: طرفداران معتدل تر نهضت دفاع از حقوق زنان (فمینیسم) این نکته را روشن ساخته اند که تک گفتاری (مونولوگ) آقایان که روند مسلط در طول تاریخ بوده است، برای پیشبرد کاروان تمدن کفایت نمی کند و اگر قرار باشد امکانات بالقوه ای که در جوامع مختلف موجود است به بهترین و بهترین ترین شکل ممکن به فلیت درآید می باید به «گفت و گوی میان دو جنس مخالف» گوش فرا ده. برخی نیز اعتقاد دارند که حتی دانش بشری در حوزه های مختلف تحت تسلط گفتمان مردانه شکل گرفته است و به ویژه در علوم اجتماعی به برخی از زنان جامعه شناس اعتقاد دارند که

تخصص و حرفه اصلی اش در رشته مهندسی الکترونیک می باشد پیش از ترجمه این کتاب پیش مطالعاتی در زمینه مسائل مربوط به زنان داشته و همراه چند تن از همکاران و دوستانش پیش از این کتاب زن و سینما را نیز منتشر کرده بود.

وی همچنین به طور مشترک کتاب های زن و ادبیات، فرهنگ اصطلاحات و منبع شناسی مطالعات زنان را هم در دست انتشار دارد که برخی از آنها تا اواخر بهار امسال منتشر خواهند شد. با او درباره ترجمه کتاب جامعه شناسی زنان به گفت و گو نشستیم که می خوانید.

باید تمرین مدیریت کنند؟ الان بسیاری از مدیران رده بالای کشور از انتصاب زن ها به مشاغل مدیریتی اجتناب می کنند و استدلال می کنند که اگر ما فلاں خانم را به سمت مدیریت منصوب کنیم خود قطعه همه او به نظر می آید که کند که چه خطایی می کند، اما پرسش من این است که چرا زنان



نیاید خطا کنند و کلی مردان اگر خطا کردند اشکالی ندارد؟ زن ها هم حق دارند خطا کنند تا یاد بگیرند. بهتر است بازگردیم؛ در انتهای کتاب شما یک فرهنگ اصطلاحات هم افزوده اید. علت این کار چه بوده؟

هنگامی که یک موضوع جدید در مباحث نظری مطرح می شود همراه باحتاط یک مجموعه واژگان جدید به همراه می آورد و حتی در برخی موارد معانی جدیدی برای بعضی از واژه های قبلی به وجود می آید که این کار یعنی افزودن فرهنگ اصطلاحات با معانی می شود تا افرادی که کتاب را مطالعه می کنند معانی دقیق واژه ها را بلدند که امیدوارم به زودی آن را با افزایش و تکمیل به صورت مستقل ارائه کنیم.

یکی از دلایل دیگر هم این است که فمینیسم مانند بسیاری از اصطلاحات دیگری که وارد کشورمان شده مورد ظلم قرار گرفته زیرا پیشتر از طرف مخالفان آن امکان طرح داشته و مخالفان به درانتقال معانی صحیح موفق نبودند و همین را باعث شده تا برخی از زنان از اینکه با عنوان فمینیست برانند و از واژه ها و مفاهیم جدیدی گرفتن از مردان هستند و از مردان دوری می کنند. فمینیسم اصلاً با سالار بسودن مخالف است چه زن سالاری و چه مرد سالاری. در تالیی باید توجه کرد که در داخل فمینیسم هم مثل بسیاری از جنبش های اجتماعی گرایش های متعددی وجود دارد.

خیزهایی که داشت در سطح دنیا مطرح شد و رشد پیدا کرد نگاه علم پزشکی به برخی مسائل عوض شد. مثلاً در مورد جراحی قلبی از بارباری آن مالاتون و مطالعات داشت که دانش پزشکی هم در مورد زنان مطالعه کنند و هم در مورد مردان ولی دانش پزشکی علم است و سادی محسوب می شود که نحوی تمایز ایجاد کرده بود که تمام فشار کنترل جمعیت را بر دوش زنان گذاشته بود تا وقتی که جنبش فمینیستی به این موضوع اعتراض کرد و بعدها همین دانشند که در مورد مردان هم می توان تمایزاتی در نظر گرفت. مرادی مشابه این در علم پزشکی، بهداشت و تغذیه هم وجود دارد که متأثر از جنبش فمینیستی بوده است و به طور کلی نشان داده که علم گرفتاری هایی دارد و دانش کلاسیک پزشکی راز سوال برده و اکنون به تدریج به برخی از مسائلی که قبلاً غیر قابل تفکی می شد هم توجه می شود زیرا کارآمدی آن برای بشر ثابت شده است.

ما در فلسفه علم به مواردی برمی خوریم که نشان می دهد یک گرایش تحقیقی در علم در یک دوره بسیار زیاد برای بشر ثابت شده است و پس از آن اعتبار آن کاسته می شود و مورد انتقادهای جدی واقع می شود مثل گرایش پزشکی به جنسیت در علم که از زمانی بسیار مسلط بود ولی اکنون از آن اعتباری اقیاب قبلی برخوردار نیست. صحبت های شما من این نکته را استنباط می کنم که جنبش فمینیستی و مطالعات مربوط به زنان هم در این تغییرات و گرایش های که در علوم ایجاد می شود سهیم بوده است. اما نکته ای که به نظر می آید ما ندان و این نکته است که جنبش فمینیستی بیشتر جنبش اجتماعی دارد و مبتنی بر اعتراضات زنان به دلیل وجود نابرابری و تبعیض است در حالی که مطالب مطرح شده در این کتاب بیشتر جنبه فرهنگی شناسانه دارد و به دانش بشری محدود می آید. آیا ابتدای کار جنبش فمینیستی بوده یا اینکه بعداً اعتراض به نابرابری و بعداً توجه شد که این نابرابری ها در دانش بشر هم انعکاس یافته است؟

هر چند که به نظر من این دو موضوع چندان قابل تفکیک از یکدیگر نیستند ولی شاید اول هر چه را در اذهان وجود نابرابری ایجاد کرده باشد، سؤال کردند چرا ما از برخی مسائل محروم هستیم چه کسی ما را محروم کرده؟ پرسش سیون دیوار این است که چه کسی جنس دوم را جنس دوم کرده است؟ بعد به تدریج این پرسش های ناظر و انسجام پیدا می کنند و قابلیت مطالعه و تحقیق را پیدا می کنند. زمینه برای این مطرح شدن پرسش های معرفت شناسانه من مطرح می شود. مثلاً من مطالعه بسیاری از تاریخ های نشان می دهد که در مورد بسیاری تاریخ نشان در تاریخ حذف شده است. این حذف شدن نشان دهنده چیست؟

پرسش بعدی من متوجه جنبه اجتماعی، سیاسی جنبش های فمینیستی و مطالعات آنها در کشور خودمان است. در پیگیری مطالعات

کشوری را حل تمایزی کارآمد باشد ولی آنچه بیشتر مورد تأکید نویسندگان بشری مرد محور است و بر اساس یک نگاه مردانه شکل گرفته است و لذا جامع نیست و این دانش موجود هم نقصان دستگاه بر طرف شود؟ نکته ای که پیش از هر چیز باید متذکر شد این است که مدعیان این

اصولاً دانش بشری مرد محور است و بر اساس یک نگاه مردانه شکل گرفته است و لذا جامع نیست و این دانش موجود هم در همه جای دنیا یکسان است

سخن نمی خواهند کار را از صفر شروع کنند ولی تردیدی هم نیست که کار زیادی را پیش رو دارند. بعد هم این کتاب و آنچه که نویسدگان آن مطرح می کنند اصلاً در صدد تأسیس دانش زنانه نیستند، چیزی که نویسدگان اعتقاد دارند و من هم قبول دارم این است که دانش انسان به دلیل نادیده گرفتن بخشی از جامعه بشری (نیمی از جامعه) به لحاظ نظری و چه از بعد عملی در مجموع دانش ناقص است

جنبش فمینیستی بیشتر جنبه اجتماعی دارد و مبتنی بر اعتراضات زنان به دلیل وجود نابرابری و تبعیض است

و تا وقتی دانش بشری این تقیصه را بر طرف نکند راه به جایی نمی برد. در همکاری های فمینیستی برای رفع این تقیصه راه حل های مختلفی را مطرح می کنند. برای اینکه موضوع روشن تر شود، من مثالی مطرح می کنم که معلوم شود چگونه دانش بشری می تواند به در نظر گرفتن برخی مسائل سمت و سوی خودش را تغییر دهد. از دهه شصت و هفتاد میلادی به این سو که جنبش فمینیستی با افت و

وجود تبعیض، یقین پیدا کنید یا موارد دیگری بود؟ زندگی پر مدام و بسیاری از آدم های دور و بر هم این تبعیض را می دیدم. وقتی شما به وجود تبعیض پی بردید آنگاه کافی است با این نگاه به اطراف خودتان توجه کنید. آن وقت موارد متعددی را ملاحظه خواهید کرد. من قبل از ورود به محیط کار در ایام تحصیل در دانشگاه هم متوجه برخی تفاوت ها شده بودم ولی بیشتر به حساب شرایط جامعه می گذاشتم و فکر می کردم اگر خودتان توجه کنید تفاوت ها به وجود می آید و این به دلیل تفاوت های اجتماعی و فرهنگی است و به طور اساسی، مسائل را مورد بررسی قرار دهد نداشته بودم.

نویسدگان این کتاب انگلیسی زبان هستند و بسیاری از مطالبی که در کتاب مورد توجه قرار داده اند ناشی از شرایط اجتماعی همان محیط است. آیا شما به تحقیق این مسائل یا تشابه آنها با مسائل زنان در ایران هم توجهی داشتید؟ بخشی از مسائل زنان در همه جای دنیا یکسان است. البته ممکن است در جلوه های بیرونی متفاوت باشد و برای آنها نیز به تناسب فرهنگ هر